

## تأثیر صلح عربستان و یمن بر اختلافات و همکاری‌های انصارالله و حزب اصلاح

علیرضا زارعی<sup>۱</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پیاپی ۹۳، بهار ۱۴۰۲؛ صفحات ۸۴-۵۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

چکیده

ساختار اقتدارگرایی حزب مؤتمردرین برای تعدیل مخالفین و حذف آنها همواره به ایجاد گروه‌های سیاسی در برابر یکدیگری پرداخت. از این رو حزب اصلاح نه بر پایه همکاری در یک ساختار دموکراتیک، بلکه بر پایه یک مبارز خصم در برابر انصارالله یمن در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت. با این حال هر جا اقتدارگرایی صلح حتی حزب اصلاح را در مضیقه قرار می‌داد، یک اتحاد طبیعی بین این حزب و انصارالله به صورت موقت شکل می‌گرفت. با شروع تحولات عربی گرچه حزب اصلاح و انصارالله موافق خلع عبدالله صلح از قدرت بودند، اما خلع او سبب تشدید رقابت‌های خصمانه بین این دو گروه سیاسی شد و حزب اصلاح در این مبارزه به تدریج پایگاه‌های سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی خود را از دست داد. با این حال، میانجی‌گری چین در کاهش تنش بین عربستان و ایران سبب شد که بحران یمن وارد مرحله‌ای جدید شود که در آن ضمن کاهش حملات نظامی سعودی به یمن، بستر صلح بین ریاض-صنعا نیز فراهم آمد. در برهه‌ای بازیگران سیاسی غالباً نائبان بازیگران خارجی در جنگ یمن بودند؛ حال این بازیگران باید اختلافات خود را کنار بگذارند. صلح عربستان و یمن چه تأثیری بر اختلافات و همکاری‌های انصارالله و حزب اصلاح خواهد داشت؟ اساس ایجاد حزب اصلاح بر اختلاف با انصارالله، آن هم از نوع ایدئولوژیک و دینی بوده است. به نظری رسید در بهترین حالت، در دوره صلح رقابت مبتنی بر خصومت بین این دو بازیگر داخلی صرفاً کاهش یابد که البته این روند کاهش بی‌بسته به نقش بازیگران خارجی در حل چالش‌های یمن دارد.

واژگان کلیدی

بحران یمن، حزب اصلاح، انصارالله، عربستان، صلح

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه یمن

گروه‌های سیاسی یمن با توجه به پایگاه‌های قبیله‌ای، دینی که در ساختار اقتدارگرایی داشته‌اند، غالباً به علت اختلاف بایکدیگر نباشند. حزب اصلاح‌دارای گرایش‌های سلفی، اخوانی با هدف مبارزه با توسعه نفوذ انصارالله با حمایت صالح شکل گرفت و در دوران حکومت وی به مثابه یک ضربه‌گیر در برابر انصارالله عمل می‌کرد. با شروع تحولات عربی، حزب اصلاح و انصارالله خود را در اتحادی طبیعی برای برکناری صالح دیدند، بدون اینکه به این فکر کنند که در آینده سیاسی یمن هر کدام نسبت به نقش خود چه دیدگاهی خواهند داشت؟ اما با خلع صالح، آتش اختلاف اصلاح با انصارالله بیش از گذشته شد و عملاً حزب اصلاح به حاشیه رفت.

اکنون تحولات منطقه‌ای، روند صلح عربستان و یمن را فراهم کرده است. توافق ایران و عربستان، به عنوان دوبازی‌گر ذی‌نفع، و نقش فرامنطقه‌ای چین سبب شد که موضوع صلح عربستان-یمن نتیجه تحولاتی باشد که از جمله نموده‌های آن تبادل اسیران و سفر هیئت‌های دیپلماتیک است. البته این یک چشم‌انداز ملی از بحران یمن است؛ اما این بحران از منظر دیگری نیز برجسته است و آن اختلافات دامنه‌دار احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی یمن با محوریت ساختار قبیله‌ای است که مسئله تجزیه یمن را بار دیگر تشدید کرده است و حتی برخی برای ممانعت از آن، حمایت از اقتدارگرایی حزب مؤتمر را پیش گرفته‌اند. در سایه صلح رخ داده و نبود اقتدارگرایی سابق، دو مسیر برای انصارالله و حزب اصلاح وجود دارد: اول، تداوم اختلافات گذشته و تقابل گرایی که نتیجه آن تداوم تنش و جنگ داخلی و در نهایت تجزیه یمن خواهد بود. راه دوم، گرایش به همکاری برای ایجاد یک فضای دموکراتیک است که همه گروه‌های سیاسی و مذهبی از همه مناطق در قدرت سهم‌باشند. تأثیر این صلح بر اختلافات و همکاری‌های حزب اصلاح و انصارالله با دورویکرد شیعی و اخوانی و از این نظر که دو گروه یادشده در دوران صلح، مغضوب اقتدارگرایی بودند، اهمیتی ویژه



دارد.

در ارتباط با موضوع پژوهش، ادبیات داخلی و خارجی صرفاً مجموعه‌ای از تحلیل‌های رسانه‌ای و برخی اندیشکده‌های غربی و عربی است. عمده ادبیات تولیدی نیز صرفاً مطالعات موردی هستند که به روابط حزب اصلاح با انصارالله چندان توجهی نداشته‌اند. الهمدانی در ۱۴۰۰/۲۰۲۱ در گزارشی با عنوان «یمن: حزب مؤتمرو اصلاح بعد از ۲۰۱۱» (Al Hamdani, ۲۰۲۱) ضمن نادیده انگاشتن انصارالله، به افق تشکیل حکومتی ملی یا دولتی چندفرقه‌ای در یمن با محوریت اصلاح و مؤتمر پرداخته است.

خالد الخالد در مقاله خود با عنوان «وفاداری‌های مبهم و روایت‌های رقیب» به نقش حزب اصلاح در ائتلاف سعودی-اماراتی علیه انصارالله پرداخته است. الخالد معتقد است صلح در بیرون وضعیت یمن را تغییر خواهد داد (AL Khaled, ۲۰۲۲)؛ اما وی به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که آیا صلح در بیرون به صلح در داخل یمن، به ویژه همکاری حزب اصلاح و انصارالله، خواهد انجامید؟

علی باقری در مقاله‌ای با عنوان «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا» صرفاً به تعاملات عربستان با حزب اصلاح پرداخته است. باقری معتقد است شکل نگرفتن دموکراسی و تداوم اعمال نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچنان بستر تنش در یمن را مهیای کند. نویسندگانه سیرار تباطات گروه‌های داخلی یمن با خود و با بازیگران منطقه‌ای صرفاً در دوران جنگ پرداخته است (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۵: ۲۰۷-۱۷۱).

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که صلح عربستان با یمن چه تأثیری بر اختلافات و همکاری‌های اصلاح و انصارالله می‌تواند داشته باشد. پس از اشاره به چهار بازیگر درگیر، به روابط حزب اصلاح با بازیگران منطقه‌ای و روابط آن با انصارالله در ادوار مختلف به ویژه در دوران صلح پرداخته می‌شود.

بحران یمن آخرین بن‌بست ژئوپلیتیکی ناشی از بهار عربی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای حفظ و بسط حوزه نفوذ خود بوده است. عربستان، پدرخوانده دیکتاتوری‌های عربی، همان‌طور که روند تحولات در بحرین، لیبی و مصر را جهت‌دهی می‌کرد، مسئله یمن نیز در سیاست خارجی اش برجسته بود. تا سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ عربستان بیشتر به عنوان یک ابرقدرت نفتی مشهور بود، اما با شروع تحولات بیداری اسلامی، سلطه منطقه‌ای هدف اصلی راهبردی این کشور در آینده منطقه شد. عربستان در حالی که کمترین تأثیر را از این تحولات پذیرفت، در پی آن بود که در فضای پس از این تحولات بیشترین تأثیر را بر محیط منطقه بگذارد. در واقع ریاض در مرحله اول تحولات نقش ضد انقلاب را داشت، ولی پس از پذیرش انقلاب، در برخی کشورها برای مدیریت تحولات تلاش کرد. حمله به یمن در ۱۳۹۴/۲۰۱۵ و حمایت از منصور هادی یا برخی گروه‌های داخلی علیه گروه‌های دیگر گویای هدف آینده این رژیم برای هژمونی در منطقه به‌ویژه بین‌اعراب بود (<http://www.arabiafoundation.org>).

از سوی دیگر، حزب مؤتمرد در طول تاریخ ۲۹ ساله خود به رهبری علی عبدالله صالح، دچار اشعاعات و اختلافاتی با سایر گروه‌های سیاسی به‌ویژه انصارالله و تاحدودی حزب اصلاح شد که نتیجه آن تقابل این جریان‌ها با علی عبدالله صالح بود. با شروع تحولات عربی از سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰، یمن نیز در گرداب آن فرو رفت و تنش‌های داخلی موجب عزل شخص صالح از قدرت شد. عدم توافق گروه‌ها بر سر تشکیل دولت و حمایت‌های عربستان از دولت مستعفی منصور هادی و ترس از سلطه انصارالله در یمن، زمینه حمله نظامی عربستان در سال ۱۳۹۴/۲۰۱۵ به این کشور را فراهم کرد و با افزایش دامنه اختلافات داخلی در کنار تجاوز خارجی، بحث مجزیه یمن به شدت قوت گرفته است (Robinson, ۲۰۲۳).

انصارالله برخلاف اصلاح که با صالح نیز ارتباطاتی داشته و تا ۱۳۸۱/۲۰۰۲ شریک او در قدرت بوده‌اند، روابط خصمانه‌ای با صالح داشته‌اند، به‌گونه‌ای که تا ۱۳۸۷/۲۰۰۸ چندین جنگ بین صالح و انصارالله رخ داده بود. صالح بیشترین تقابل را در طول ریاست جمهوری خود با

انصارالله داشت. حوثی‌ها به‌ویژه از سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ با دولت صالح درگیر بوده‌اند. حوثی‌ها نگران بودند که با پاک‌رفتن سلفی‌ها در سیاست یمن، مذهب آنها تحت تأثیر قرار گیرد. حوثی‌ها معتقدند از نظر منافع اقتصادی، حزب حاکم آنها را به حاشیه راندن بود. حزب حاکم نیز حوثی‌ها را عاملان ایران در مقابل رژیم حاکم می‌دانست. آتش‌بس‌های مکرر بین این مخالفین و رژیم حاکم از سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ بارها از سوی صالح نقض شده بود و نقش آنها در عرصه سیاسی نیز محدودتر شد (<https://www.acaps.org>). رئیس‌جمهور صالح در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ اعلام کرد که حوثی‌ها می‌توانند یک حزب تشکیل دهند و در انتخابات شرکت کنند؛ با این حال جناح حاکم در عمل این اجازه را به حوثی‌ها نداد. با شروع اعتراضات، حوثی‌ها با انتشار بیانیه‌ای از آن حمایت کردند، ولی در اثنای تحولات انقلاب، انصارالله با صالح از در صلح وارد شده بودند که الحادای دیری نبود.

حزب اصلاح تا ۱۳۸۱/۲۰۰۲ از ائتلاف قدرت با حزب مؤتمر و در واقع شاخه‌ای منشعب از حزب مؤتمر بوده است که گرایش‌های اخوانی داشته و به نوعی در تضاد با مواضع ریاض و در جهت منافع قطر بوده است. خاندان آل‌احمر که در ساختار قبایلی یمن به شدت نفوذ دارند و پایه‌گذار حزب اصلاح نیز هستند، همواره نقش خاندان آل‌شیخ در عربستان را برای صالح داشته‌اند که از ۱۳۸۱/۲۰۰۲ با دامنه‌دار شدن اختلافات از او فاصله گرفتند (Carvajal, ۲۰۱۵). حال این بازیگران، در شرایط افول بحران یمن قرار گرفته‌اند که با صلح عربستان یمن، مسئله اختلافات و همکاری‌های انصارالله و اصلاح در فضای تضعیف مؤتمر برجسته است.

## ۲. تأسیس و جایگاه حزب اصلاح در دولت صالح

حزب مؤتمر در دهه ۱۹۹۰ همواره با احزاب دارای گرایش‌های سلفی، به‌ویژه حزب اصلاح، حکومت تشکیل می‌داد؛ اما پس از انقلاب و جدایی اصلاح از صالح و چند پارچگی در این حزب، جناح صالح و ادار به مصالحه با گروه انصارالله شد. در واقع، ریشه‌های حزب اصلاح را باید در حزب مؤتمر و خاندان آل‌احمر جست (Poirier, ۲۰۱۵). این خاندان از مهم‌ترین گروه‌های نفوذ بین قبایل یمن هستند که در ساختار سیاسی قدرت نیز



تأثیرگذار بوده‌اند. شیخ صادق بن عبدالله بن حسین بن ناصر الاحمریک سیاستمدار یمنی و رهبر قدراسیون قبیله‌های حاشد و حزب اصلاح است. از جمله اشخاص معروف خاندان آل احمر یا بدبه حمید الاحمر اشاره کرد که عامل سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل در یمن بود و زمانی که انصارالله صنعا را تصرف کرد، از این کشور فرار کرد. او دبیر کل سابق کمیته آمادگی گفت‌وگوی ملی و عضو حزب اپوزیسیون جماعت یمن برای اصلاحات است که معمولاً به اصلاح معروف است (Gregory, ۲۰۱۵). خاندان آل احمر در واقع پایه‌گذار حزب اصلاح هستند و این حزب در ۱۳۶۹/۱۹۹۰ با حمایت صلح تشکیل شد.

حزب اصلاح تا پایان حکومت صالح بین طیف مخالف و مؤتلف حکومت در نوسان بوده است. زینانی شخصیت برجسته این حزب است. وی در دهه ۱۹۶۰ تعدادی مدارس به نام «مؤسسات علمی» به تقلید از سیستم مدارس مذهبی در افغانستان و پاکستان تأسیس کرد. هدف این مدارس بایک برنامه درسی و هابی-سلفی، مقابله با موج سکولاریسم بود که از یمن جنوبی در کنترل سوسیالیست‌های آمد. در دهه ۱۹۸۰ زیندانی و تعدادی از شاگردانش به افغانستان رفتند تا در مبارزه با شوروی به مجاهدین پیوندند. نیروهای زیندانی مشاور اسامه بن لادن و سایر رهبران القاعده در دهه ۱۹۹۰ بودند. زینانی در رویدادهای حماس از جمله در کنفرانس جمع‌آوری کمک‌های مالی حماس در سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ سخنرانی کرده است (Campbell, ۲۰۱۶).

اصلاح در سال ۱۹۹۳ در اولین انتخابات پارلمانی ۶۲ کرسی از ۳۰۱ کرسی را به دست آورد و در همین سال زینانی در صنعا دانشگاه الایمان را تأسیس کرد. این حزب در ۱۳۷۶/۱۹۹۷ پس از فاصله گرفتن از دولت صالح، رسماً به جنبش مخالف پیوست و دو سال بعد اصلاح در اولین انتخابات مستقیم ریاست جمهوری یمن شرکت کرد. در سال ۲۰۰۰ که عنصر القاعده ۱۷ آمریکایی را در یمن ترور کرد، زینانی فتوای دستور حمله را صادر کرد. در سال ۲۰۰۶ اعضای ارشد حزب، از جمله زینانی، به یک تیم حقوقی پول دادند تا محمد الاسدی، سردبیر یمن ابزرور، را به دلیل چاپ مجدد کاریکاتورهای دانمارکی علیه پیامبر اسلام محکوم کنند. تیم حقوقی

زینانی خواستار مجازات اعدام برای اسدی شد. در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ حزب اصلاح ایالات متحده را تهدید کرد که در صورت ورود به خاک یمن برای مبارزه با القاعده حکم جهادی دهد (Counter Terrorism Project, ۲۰۲۱).

همسویی و انحصارگرایی اصلاح و مؤتمر در نمایندگی سایر قبایل و در تصمیم سازی، رهبران سایر قبایل را به دشمن این دو حزب تبدیل کرد. در این دوره، حزب اصلاح از اعضای اصلی فراکسیون احزاب اللقاء المشترك بود که شامل حزب سوسیالیست ها، ناصری ها، بعثی ها، حزب الحق و اتحاد نیروهای مردمی می شد که مهم ترین اتحاد احزاب مخالف حزب مؤتمر در یمن بود. این اتحاد در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ شکل گرفت و با وجود ایدئولوژی های مختلف اعضا به حیات خود ادامه داد و به یک چالش اساسی برای علی عبدالله صالح و حزب او تبدیل شد.

در واقع، حزب اصلاح اپوزیسیون اصلی در یمن بود. این حزب با ریشه اخوانی هم عناصر اسلام گرای وهابی و هم عناصر قبیله ای را درون خود جای داده است. اخوان المسلمین یمن عضو این حزب است. عربستان و غرب در راستای مقابله با گسترش شیعه و سوسیالیسم از این حزب در دوره صالح حمایت کردند. حزب اصلاح بر سر نوع روابط با حزب مؤتمر دچار چند دستگی شده بود. جناح سلفی حزب به شدت برای همکاری با حزب حاکم مردد بود. با این حال، حزب اصلاح میان اتحاد مخالفین حزب مؤتمر بهترین نوع سازماندهی را داشت (Stacey ۲۰۱۵: Philbrick Yadav).

حزب اصلاح، پس از کناره گیری صالح سعی کرده است خود را به عنوان جایگزین حزب مؤتمر معرفی کند؛ با این حال رهبران این حزب از یک جنبه گرایی پرهیز کرده اند. راجح بدی در ارگان مطبوعاتی این حزب، روزنامه اصلاح، اظهار کرده است: «اصلاح خیال ندارد به تنهایی کاری کند. این حزب می داند که یک جنبه گرایی به معنای خودکشی است». حزب اصلاح با علی عبدالله صالح مخالفت کرد تا جلوی نفوذ حزب سوسیالیست دیگر مخالف حزب مؤتمر را بگیرد. اعضای

حزب در میدان تغییر در سال ۲۰۱۱/۱۳۹۰ ضمن اعلام برائت از علی عبدالله صالح اعلام کردند که یک دولت اسلامی در حال ظهور است. از سوی دیگر حزب مؤتمر امید دارد که اختلافات درونی حزب اصلاح، آن حزب را از عرصه مخالفت حذف کند (Fahim, ۲۰۱۱).

در واقع، روابط حزب اصلاح با حزب مؤتمر سه مرحله را پشت سر گذاشته است:

مرحله نخست، اتحاد که صالح با کمک این حزب و نفوذ آن بین قبایل کنفدراسیون حاشد و خاندان آل احمر توانست قدرت و کنترل خود را بر یمن محکم بخشد.

مرحله دوم، تحمل متقابل که از سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ بیشتر شامل روابط فرزندان عبدالله از اعضای حزب با علی عبدالله صالح است (Blumi, ۲۰۰۹).

مرحله سوم، پس از انقلاب آشکار شد و آن، دشمنی است. این نزدیکی حزب مؤتمر به حزب اصلاح به ویژه کنفدراسیون قبایلی حاشد تا قبل از انقلاب ۲۰۱۱ را می‌توان از دو منظر نگریست: نخست اینکه حزب مؤتمر و صالح حزب اصلاح و قبایل را خلق و به قدرت یابی آن کمک کردند. از سال ۱۹۹۴/۱۳۷۳ حزب مؤتمر با شکل دهی سازمان اجتماعی قبایل با محوریت اصلاح توجهی ویژه برای گسترش قدرت صالح کرد و توجه به آل احمر نیز در این راستا بود (Phillips, ۲۰۱۰).

دوم اینکه خود حزب اصلاح و آل احمر به واسطه نفوذ بین قبایل حاشد به ایجاد و تداوم دولت صالح در چارچوب حزب مؤتمر کمک کردند. این حزب از ترس جایگزینی نهادهای مدنی جدید با قبایل سعی در نفوذ در بدنه دولت علی عبدالله صالح داشت تا همچنان به عنوان نهاد مدنی اصلی جامعه یمن باقی بماند؛ از این رو به ایجاد و تداوم حکومت حزب مؤتمر کمک رساند (Schmitz, ۲۰۱۱).

با توجه به سابقه نفوذ حزب اصلاح در عرصه سیاسی یمن و تلاش برای قبضه قدرت، این حزب باید در گفت و گوهای آیند یمن کجاندک شود. یک گذار غیر هماهنگ موجب جنگی طولانی مدت بین حزب



اصلاح با محوریت خاندان آل احمد و جناح صالح خواهد شد. سعید علی سیف حسن، تحلیلگر یمنی، معتقد است: بسیاری از فرزندان صالح در یمن بر مراکز امنیتی و نظامی ریاست دارند. این افرادی توانمند با حزب اصلاح و فرزندان آل احمد آغازگر جنگ دیگری در آینده سیاسی یمن باشند (Gregg Carlstrom, ۲۰۱۱). در واقع، حزب اصلاح در جامعه یمن سه بال دارد: جناح اسلام‌گرا، جناح قبایلی و جناحی که متشکل از تاجران است.

۳. حزب اصلاح و بازیگران منطقه‌ای

از آنجا که حزب اصلاح دارای گرایش‌های اخوانی است، حامی روی کار آمدن مرسبی در مصر بود و از دولت وی حمایت مالی کرد. رهبران حزب در اجلاس رهبران اخوان المسلمین در سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ در ترکیه به اخوانی‌ها قول حمایت همه‌جانبه دادند. انصارالله به واسطه نفوذ این حزب در خاندان آل احمد و نیز بین قبایل یمنی و در دولت، هنگامی که بر صنعا مسلط شدند، دارایی‌ها و شرکت‌های این خاندان و حزب به ویژه حمید الاحمر را مصادره کردند. خاندان الاحمر و در نتیجه حزب اصلاح نفوذ اقتصادی گسترده‌ای در یمن دارند؛ به گونه‌ای که سودآورترین فعالیت‌های اقتصادی در این کشور در دست این خاندان و حزب است (<http://www.live-let-live.org>).

تحت فشار رویکرد ضد اخوانی که به دنبال بهار عربی در جهان عرب شکل گرفته بود، حزب اصلاح در سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ اعلام کرد که با اخوان المسلمین ارتباطی ندارد. با این حال قطر، حامی جریان‌های اخوانی، با این حزب نیز ارتباطاتی دارد. دوحه به منظور توسعه نفوذ منطقه‌ای خود بیشترین تمرکز را بر شاخه‌های اخوان در جهان عرب داشته است. در سال ۱۳۹۴/۲۰۱۵ برخی رسانه‌های یمنی از همکاری‌های نظامی و مالی قطر با حزب اصلاح پرده برداشتند. در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ صالح به روابط این حزب با قطر برای کسب مشروعیت انتقاد کرد. پایگاه خبری العین در ۱۳۹۷/۲۰۱۸ گزارش داده بود که حزب اصلاح با حمایت قطر حملات تروریستی خود را برای تنبیه مناطقی که در چند روز گذشته



موفق به اجرای برنامه‌های خود نشدند، از سر گرفته است. عدن و الحج مرکز عملیات حزب بوده است (Abdel Wahab: ۲۰۱۹).

در چند سال نخست جنگ، پایتخت عمان مرکز رسانه‌ای حزب اصلاح برای حملات رسانه‌ای ضد ائتلاف سعودی بود تا اینکه عمان برای بهبود روابط خود با عربستان مجبور شد در سال ۱۳۹۸/۲۰۱۹ محدودیت‌هایی بر فعالیت‌های حزب اصلاح در کشورش اعمال کند. این اقدام عمان سبب شد که شبکه رسانه‌ای مسقط به ترکیه و استانبول نقل مکان کند. دولت عمان حتی ثمر النمیز، روزنامه‌نگار یمنی طرفدار حزب اصلاح و نیروی شبکه الجزیره در عمان را وادار کرد مواضع خصمانه خود علیه عربستان را تغییر دهد یا خاک این کشور را ترک کند. نیروهای حزب اصلاح تحت حمایت قطر نیروهای ائتلاف سعودی در استان شبوه را هدف قرار می‌دادند. محمد بن ادیو، فرماندار شبوه، وابسته به اخوان المسلمین و حزب اصلاح، در کنار اوس العود وزیر نفت یمن، در شبکه المهریه قطر در حال بازدید از تأسیسات نفتی در این استان حضور یافتند. هر دو مقام بیانیه‌هایی دادند و تلویح ائتلاف را به مانع تراشی در صادرات نفت و گاز متهم کردند که جدیدترین بهانه رسانه‌های قطری و اخوان برای تحریک مردم علیه ائتلاف عربی شد (Baidhani, ۲۰۱۹).

فرناندو کار و اجال معتقد است اگر قطر حاضر به کاهش حمایت‌های خود از اصلاح برای کاهش اقدامات مخرب نیروهای آن نباشد، موازنه سیاسی و پیمان صلح عربستان شکنند خواهد بود. حمایت‌های قطر سبب توسعه نفوذ اقدامات این حزب در مناطق جنوبی و شکنندگی وضعیت امنیتی در این مناطق شده است. برخی رسانه‌های یمنی اقدامات تقابلی گرایانه اصلاح با حمایت یمن علیه شورای رهبری ریاست جمهوری را عامل عدم توافق بین نیروهای سیاسی ارزیابی کرده بودند (Carvajal, ۲۰۲۲). در واقع با کمک قطر، حزب اصلاح از فاز سیاسی دوران صلح به فاز نظامی‌گری رسانه‌ای

روی آورد. فهد المنیفی<sup>۱</sup> و وسیم القریشی<sup>۲</sup>، از فعالان رسانه‌ای حزب اصلاح تحت حمایت قطر در ترکیه هستند که شبکه رسانه‌ای جوانان یمن را هدایت می‌کنند. با این حال روابط اصلاح با قطر مطلوب نماند و در ۱۳۹۹/۲۰۲۰ شیخ القبلی المحسن بن علی ابیکار، رهبر حزب اصلاح، با انتشار مقاله‌ای در صفحه فیس بوک خود با عنوان «پیام توهین آمیز برای مردم یمن» تأیید کرد که قطر از نیروهای انصارالله در یمن علیه یمنی‌ها حمایت می‌کند. ابیکار افزود: «دشمن حوثی امروز با حمایت شما غرغمی کند و در حال گسترش است و اطلاعات شما جنایات او را محو می‌کند. می‌دانیم که شما متوجه اشتباه خود هستید، اما این استقامت بر باطل و انتخاب ضعیف‌ترین نقطه منطقه در تلاش برای انتقام از برادران است» (Al-Shawafi, ۲۰۲۲).

ترکیه باز یگر منطقه‌ای دیگر حامی حزب اصلاح در یمن است. مزدوران تروریستی در سوریه توسط ترکیه به یمن منتقل شدند تا از حزب اصلاح حمایت کنند. پس از تسلط نیروهای انصارالله بر صنعا، بسیاری از رهبران، فعالان و روزنامه‌نگاران اصلاح از یمن به ترکیه گریختند. تعدادی از رهبران آنها بخشی - از پول خود را وارد پروژه‌های سرمایه‌گذاری در ترکیه کرده‌اند. آنکارا دهان روی اطلاعاتی را با شعار سازمان امداد بشر دوستانه ترکیه به یمن اعزام کرده بود و تعدادی از آنها پس از دریافت تسهیلات از وزیر کشور یمن، احمد المیسری، و از طریق پست مرزی اعزامی در استان مهره وارد شبهه شدند که در کنترل اصلاح است. هدف اردوغان در حمایت از حزب اصلاح، مبارزه با اتحادیه عرب و توسعه نفوذ در مناطق دریایی یمن بود. حسب گزارش رسانه‌های تحت حمایت امارات، آنکارا و دوحه با کمک حزب اصلاح وابسته به اخوان المسلمین یمن برای ایجاد شبهه نظامیان ائتلاف ضد عرب و دور کردن جنگجویان یمنی از محور دولت هادی همکاری می‌کردند (Bintusaad, ۲۰۲۱).

همچنین اصلاح روابطی با امارات داشته است و در برخی رسانه‌ها از

۱. Fahd Al-Muneifi

۲. Wasim Al-Qurashi



ائتلاف بین آنها صحبت کرده بودند که یکی شده‌اند. در سال ۲۰۱۸ ۱۳۹۷/ بن زاید دوبار میزبان دو تن از رهبران اصلاح، محمد عبدالله الیدومی و عبدالوهاب احمد الانسی، دبیر کل سازمان، بود؛ در حالی که بن زاید ضدیت دیرینه‌ای با جریان‌های اخوانی در منطقه دارد و با دنبال کردن سیاست پاکسازی امارات از حامیان اخوان در دو دهه گذشته، در ۲۰۱۴/۱۳۹۲ اخوان را سازمانی تروریستی معرفی کرده بود. اصلاح ائتلاف متنوعی از گروه‌های یمنی بود و به نفوذ ابوظبی کمک می‌کرد. امارات در آغاز جنگ یمن متهم شده بود که نیروهای اصلاح را در جنوب یمن هدف قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۶/۱۳۹۵ رهبران اصلاح هرگونه ارتباط خود با شبکه فراملی اخوان المسلمین را منکر شدند و در نتیجه در ۲۰۱۷/۱۳۹۶ اولین دیدار خود را با رهبران شورای همکاری خلیج فارس برگزار کردند. انور قرقاش، وزیر خارجه امارات، یک روز پس از این نشست، موضع رهبران اصلاح را تأیید کرد. یدومی، از رهبران حزب اصلاح، در مصاحبه با «شرق الاوسط» در ۲۰۱۸ ۱۳۹۶/ مجده دامنکر روابط خود با جریان اخوان شد. در واقع اعلان‌های مکرر مبنی بر جدایی از اخوان برای کسب حمایت‌های امارات از اصلاح در جنوب یمن است (DeLozier, ۲۰۱۸).

اگرچه ارتباط دیرینه عربستان سعودی با شیخ عبدالله بن حسین الاحمر، رهبر حزب اصلاح، به دهه ۱۹۹۰ که او حزب را تأسیس کرد، بر می‌گردد، اما روابط عربستان با حزب اصلاح به شکل واقعی پس از اعتراضات بهار عربی در سال ۲۰۱۱/۱۳۹۰ مسخ شد. از آن زمان عربستان برای ارتقای روابط خود با حزب اصلاح و پیگیری اهداف متقابل بین پادشاهی و حزب، که ابتدا شامل مبارزه با گروه‌های چپ در یمن در پایان قرن بیستم بود، تلاش کرده است. اکنون این منافع عمده تأثیر مبارزه با گسترش انصار الله متمرکز است. در نتیجه، امروز بسیاری از گروه‌های درون حزب اصلاح تحت نفوذ عربستان هستند یا در ظرفیت‌های مختلف با عربستان ارتباط دارند. رهبران مذهبی قبایل، دانشگامیان و سایر رهبران برجسته حزب در برخی استان‌های یمن مانند الجوف، صعده، حجه، حضرموت، عمران، صنعا و حتی مارب روابط

قوی با عربستان سعودی دارند. رسانه‌های مورد حمایت امارات و قطر رابطه عربستان با حزب اصلاح را زیر سؤال برده و سعی کرده‌اند بین آنها شکاف ایجاد کنند. رسانه‌های مورد حمایت امارات با به چالش کشیدن مواضع حزب سعی کردند نظر حزبی را در باره قطر و ترکیه تغییر دهند تا عربستان سعودی را در مورد گسترش نفوذ ترکیه بترسانند. از سوی دیگر، رسانه‌های مورد حمایت قطر، حمایت عربستان و امارات از حزب اصلاح را اغراق آمیز توصیف و در رابطه با آنها تردید ایجاد کردند و نشان دادند که حزب اصلاح به جای اشتباهی اعتماد کرده است. به رغم این انتقادات و ناهنجاری‌های دیپلماتیک، این رابطه همچنان قوی باقی مانده است (Al-Sofari, ۲۰۲۱).

حزب اصلاح، به واسطه ایدئولوژی حزبی و جایگاهش بین گروه‌های درگیر در بحرین، روابط خوبی با ایران ندارد و در سال ۱۳۹۶/۲۰۱۷ متعهد شد مانع توسعه نفوذ ایران در یمن شود. الیدومی در ۱۳۹۶/۲۰۱۷ در بیانیه‌ای کوتاه به الصحوه نت، سایت خبری رسمی این حزب، بار دیگر بر حمایت حزبی از عملیات نظامی ائتلاف به رهبری عربستان در یمن تأکید کرد و افزود که این عملیات به جاه طلبی‌های توسعه طلبانه ایران پایان خواهد داد (Saeed Al Batati Corrspondent, ۲۰۱۷). در واقع اصلاح، همان گونه که پیش از ۱۳۹۰/۲۰۱۱ به واسطه نفوذ خود در جامعه یمن بین ائتلاف و مخالفت با صالح در نوسان بود، در دوره پس از ۲۰۱۱ نیز همین نقش را بین بازیگران درگیر در یمن بازی کرده است.

در سال ۱۳۹۷/۲۰۱۸ نیز سفیر آمریکا در یمن بارهبران حزب اصلاح در ریاض دیدار و از نقش این حزب در فرآیند سیاسی یمن تقدیر کرد. در این ملاقات، الیدومی از موضع آمریکا که از مشروعیت سیاسی حمایت و مداخلات ایران در یمن را رد می‌کند، قدر دانی کرد. وی تمایل خود را برای حمایت بیشتر از یمن و مشروعیت قانون اساسی برای تحقق برنامه‌های ملی آن ابراز کرد (Middle East Monitor, ۲۰۱۸). در همین سال نماینده حزب با نماینده اتحادیه اروپا در امور یمن ملاقات و بر حمایت حزب و



اتحادیه بر راه حل سیاسی تأکید کرد.

در این دیدار، عدنان العدینی، معاون مدیرکل رسانه حزب اصلاح، با اشاره به نقش ایران در حمایت از انصارالله برای به بن بست کشاندن راه حل سیاسی، از اتحادیه اروپا به دلیل حمایت از دولت عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن، تجید کرد. همچنین کالوو پوئرتا، نماینده اتحادیه اروپا، از مواضع و مشارکت حزب در دوره‌های مختلف گفت وگوهای سیاسی برای صلح تجید کرد (AlSahwa, ۲۰۲۲).

۵. رویکرد حزب اصلاح به انصارالله

اگرچه حزب اصلاح بین طیف موافق و مخالف صلح نوسان داشتند و هیچ وقت این مخالفت جنبه نظامی پیدا نکرد، اما انصارالله بیشترین تقابل را در طول ریاست جمهوری صلح با او داشتند. آنها به ویژه از سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ با دولت صلح درگیر بوده‌اند. نارضایتی انصارالله از صلح پدید بود و بخشی از آن به حزب اصلاح بازمی‌گشت. انصارالله نگران بودند که با پا گرفتن سلفی‌ها در سیاست یمن، مذهب آنها تحت تأثیر قرار گیرد. اصلاح هم یک نماینده تحریکات سلفی بود. انصارالله معتقدند که از نظر منافع اقتصادی، حزب حاکم آنها را به حاشیه راند است و در مقابل، اصلاح بیشترین نیرو را در ساختارهای اقتصادی دارد. حزب حاکم نیز انصارالله را عاملان ایران در مقابل رژیم حاکمی دانست. آتش بس‌های مکرر بین این مخالفین و رژیم حاکم از سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ بارها از سوی علی عبدالله صلح شده بود و نقش آنها در عرصه سیاسی نیز محدود تر شد. رئیس‌جمهور صلح در سال ۲۰۱۰ اعلام کرده بود که انصارالله می‌تواند یک حزب تشکیل دهند و در انتخابات شرکت کنند، اما جناح حاکم در عمل این اجازه را نداد و حزب اصلاح نیز به رغم فاصله از صلح از این پیشنهاد استقبال نکرد (Al Wasmi, ۲۰۱۷).

حزب اصلاح یک پایه جنگ صلح با انصارالله بود که موجب شهادت سید حسین بدرالدین شد. علی محسن الاحمر، از ژنرال‌های وابسته به حزب اصلاح، در این جنگ نقش مهمی داشت. اساساً جنگ‌های صحنه ضد انصارالله را به جنگ علی محسن الاحمر می‌شناسند. مبارزان حزب

اصلاح و حامیان القاعد نقش مهمی در عملیات ارتش صالح  
 ضد انصارالله داشتند. حزب اصلاح از ۲۰۰۶/۱۳۸۵ در يك اتحاد طبیعی با  
 انصارالله در مخالفت باصالح قرار گرفت. در انتخابات سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ حزب  
 اصلاح در حمایت از يك نامزد جایگزین به اپوزیسیون متحد پیوست. در  
 آخرین دوره ریاست جمهوری او، مخالفان از جمله اصلاح و انصارالله  
 چندین بار صالح را متهم کردند که می خواهد برای چهارمین دوره  
 ریاست جمهوری هفت ساله نامزد شود که این کار مستلزم اصلاح قانون  
 اساسی است و بعدهای خواهد فرزند خود را به این سمت بنشانند؛ در حالی  
 که صالح بارها این اتهامات را رد کرده بود  
 (<https://fanack.com/ar/yemen/politics-of-yemen>).

البته این «اتحاد در مخالفت» به معنای «اتحاد برای هدف مشترک» نبود،  
 بلکه رقابت برای نفوذ به ساختار قدرت بود؛ زیرا جنگ ششم يك سال  
 قبل از تحولات یمن بین انصارالله باصالح و با محوریت اصلاح شروع شد.  
 انصارالله از سال ۲۰۱۰ پایگاه مردمی خود را در استان عمران از طریق  
 حمایت های مذهبی و فعالیت های سیاسی گسترش داده بود و حسین الاحمر  
 به حاشد هشدار داد: هر کس به حوثی ها پیوندد یا از آنها حمایت کند یا  
 افکارشان را منتشر کند، خون و پول او مهدور است. او در کنفرانس  
 «اخوت و پیوند» آنها را «سرطان» توصیف کرد (Day, ۲۰۱۲). در واقع يك  
 اختلاف اصلی انصارالله باصالح این بود که از گسترش ایدئولوژی  
 رادیکاليسم حزب که متشکل از عناصر بنیادگرا و وهابی سلفی بود،  
 حمایت می کرد که باعث تقویت سیاست قوی کردن يك دشمن برای  
 نابودی دشمن دیگری شد. با این حال، روابط اصلاح و انصارالله در  
 دوران پسا انقلاب بیش از گذشته دچار نوسان شد؛ به ویژه اینکه با  
 ورود بازیگران خارجی این تقابل شدت گرفت و در برهه ای متأثر از  
 نقش بازیگران خارجی به افول خصومت انجامید.

الف) روابط حزب اصلاح و انصارالله از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴

با وقوع انقلاب ۲۰۱۱ و تنش بر سر چرخش قدرت و ورود حزب مؤتمریه  
 دوره فترت و اشفاق به دو جناح صالح و منصور، حزب اصلاح از جناح



هادی حمایت و جناح صلح را به همکاری با انصارالله علیه دولت منصور هادی متهم کرد. در حالی که سایر احزاب سیاسی یمنی مخالفت مستقیمی با منصور هادی نداشتند، اما جناح علی عبدالله صلح و حامیانش در حزب مؤتمر در دستگاہ‌های نظامی و غیر نظامی در تصادم مستقیم با هادی و اصلاح بودند (Al-Shurbaji, ۲۰۱۴). علی محسن الاحمر، از شخصیت‌های مهم حزب اصلاح و خاندان آل احمد در سال ۲۰۱۱ با سایر فرماندهان ارتش به تظاهرات ضد دولتی علیه علی عبدالله صلح پیوست (<http://www.historycommons.org>). در واقع، حزب اصلاح و انصارالله بر خلع صلح از قدرت اشتراک مساعی داشتند، اما شکاف بین حزب و صلح موجب تقسیماتی درون کنفدراسیون قبایلی حاشد شد. این شکاف سبب شد که حزب اصلاح در تنش با انصارالله شکست بخورد که نتیجه آن، از دست دادن رهبری فدراسیون حاشد به دلیل ظهور اختلافات بود. در واقع حزب بیشتر در قبایل مناطق شمالی یمن که مورد توسعه نفوذ انصارالله بود، نفوذ زیادی داشت.

هنگامی که حزب اصلاح علیه صلح دست به شورش زد، حمایت دولت را از دست داد. این موضوع در آخرین تقابل آنها که صلح شریک قدیمی حزب اصلاح، سعی کرد با استفاده از نفوذش قبایل دیگر را علیه انصارالله به جای حزب اصلاح متحد خود کند، آشکار شد. حمایت حزب اصلاح از انقلاب علیه حزب مؤتمر و در رأس آن صلح هم مثل کاتالیزوری برای رویدادهای بعدی یمن بود و هم علامتی بر پایان عصر حزب اصلاح و خاندان الاحمر به عنوان یکی از قدرتمندترین نیروها در یمن. با جدایی بین این حزب و صلح، آنها در برابر قدرت افزایشی انصارالله تنها ماندند. انصارالله توانست وقاداری چند شیخ مخالف حزب اصلاح را به دست آورد. وقتی حزب اصلاح در چارچوب خاندان آل احمر به تحریک قبایل سلفی علیه انصارالله متوسل شد، شمارش معکوس از دست رفتن مشروعیت خاندان آل احمر شروع شد (<https://www.alaraby.co.uk/english>).

همسویی و انحصارگرایی حزب اصلاح و حزب مؤتمر در نمایندگی سایر قبایل و در تصمیم‌سازی، رهبران سایر قبایل را به دشمن حزب اصلاح



تبدیل کرد. در دوران پس از صلح، نفوذ حزب اصلاح کم شد و در برابر انصارالله نفوذ خود را از دست داد (<https://www.globalsecurity.org>). عبدالغنی الایرانی، تحلیلگر یمنی، در این برهه معتقد بود حزب اصلاح فکری کندگناره گیری از صلح و حزب او فرصتی است تا آن چیزی را که مستحقش بود (قبضه قدرت)، به دست آورد (<http://www.aljazeera.com>). رفتن جناح صلح در حزب مؤتمربه سمت انصارالله میانگرا آن بود که حزب اصلاح و خاندان آل احمد به منافع درون گروهی خود روی آورده اند و محلی گرای را بر ملی گرایی ترجیح می دهند.

در این دوره، محسن الاحمر و قبیله شیخ عبدالله، از وابستگان به حزب اصلاح، کنترل دولت زیر نظر منصور هادی را با حیل و فراهم آوردند؛ اما در سال ۲۰۱۴/۱۳۹۳ انصارالله ضربه مرگ بار تاریخی را بر قلمرو حزب اصلاح، یعنی شهر عمران و قبایل متحد آن، وارد کردند و سپس علیه حزب اصلاح موضع گرفتند. این حمله بازوی قبیله ای حزب اصلاح را نابود کرد و قبیله حاشد که ستون جمهوری یمن بود، بعد از درگیری در عمران، قبیله ای منسجم با رهبری واحد نبود. حاشد، بازوی قبیله ای اصلاح بر سر حمایت یا مخالفت با صلح و حزش، دچار فروپاشی شد و این فروپاشی نفوذ حزب اصلاح، عربستان را نگران تداوم بی ثباتی در یمن کرد (<http://www.worldpolicy.org>). در واقع از بین رفتن تعاملات حزب مؤتمربا اصلاح و از سوی شکاف در قبایل تحت نفوذ این حزب و احتمال کم رنگ شدن نقش قبایل در آینده سیاسی یمن، صلح را واداشت تا به اتحاد با انصارالله فکر کند و تقابل بین انصارالله و اصلاح بیش از گذشته شود.

همان طور که قبلاً گفته شد، حزب اصلاح سعی کرد با پرهیز از یک جانبه گرایی، خود را حزب مؤتمر معرفی کند؛ با این حال، رهبران این حزب از یک جانبه گرایی پرهیز کردند. انصارالله و اصلاح در میدان تغییر در سال ۲۰۱۱/۱۳۹۰ از صلح برائت جستند و نوید یک دولت اسلامی را دادند (Fahim, ۲۰۱۱). با این حال انصارالله مخالف آن نوع دولتی بود که گرایش های

سلفی در آن مبنا باشد. با شروع اعتراضات، انصارالله با انتشار بیانیه‌ای از اعتراضات ضد صلح حمایت کردند، ولی بعد از مدتی با صلح از در صلح وارد شدند (Al Wasmi, ۲۰۱۷). در واقع این نقش انصارالله می‌توانست نقش آنها را در آینه یمن پس از صلح با تردید مواجه کند. نزدیکی به صلح حزب اصلاح را به انصارالله بدبین کرد؛ از این رو ممکن بود در صورت پیروزی گروه‌های مخالف حزب مؤتمرو صلح در محولات یمن، انصارالله به عنوان شریک صلح طرد شود.

عنصر اختلافی دیگر بین انصارالله و حزب اصلاح در این دوره، حمایت از منصور هادی بود که حزب اصلاح ابتدا حامی آن بود. همان طور که گفته شد، انصارالله با تصرف عمران به پایگاه نظامی حزب اصلاح در ۱۳۹۳/۲۰۱۴ ضربه وارد کرد و همین مسئله به اختلاف بین منصور هادی با اصلاح تبدیل شد. الگویی که در ۱۳۹۳/۲۰۱۴ در یمن حاکم بود این تصور بود که هادی با حمایت از پیشروی‌های نظامی انصارالله به دنبال حذف اصلاح به عنوان بخشی از یک تغییر عمده در آینده سیاسی یمن است. عبدالوهاب الانسی، دبیر کل حزب اصلاح، استدلال کرد که پیشروی انصارالله یا به دلیل بی‌کفایتی در ارتش تحت ریاست هادی یا به دلیل خیانت بود. با این حال، وقایع در آخرین ساعات سقوط عمران نه صرفاً بی‌کفایتی نظامی آشفته، بلکه یک تغییر کاملاً عمدی و برنامه‌ریزی شده در قدرت در ارتش و سیاست یمن را نشان می‌داد که یک بخش آن استفاده از اختلافات حزب اصلاح با انصارالله علیه این دو گروه بود (https://almasdaronline.com).

سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ عرصه جنگ بین اصلاح و انصارالله برای بازپس‌گیری عمران بود. هادی در این دوره واسطه بین دو گروه برای آتش‌بس بود. رزمندگان انصارالله به هدف خود یعنی حذف واحدهای نظامی یمن متحد با اصلاح دست یافته بودند. انصارالله به مقر تیپ ۳۱۰ در عمران حمله و ژنرال القشیری، حامی حزب اصلاح و از نزدیکان علی محسن، از خاندان آل احمر، را اعدام کردند. قتل القشیری تا حدی یک قتل انتقام‌جویانه برای کشته شدن حسین الحوثی، برادر عبدالملک، رهبر فعلی انصارالله، و پیامی آشکار به حزب اصلاح بود که توسل به جنگ برای شبه‌نظامیان انصارالله آسان است (Schmitz, ۲۰۱۴).

رهبری انصارالله مدعی بود که حمله آنها علیه ارتش و دولت یمن نیست، بلکه علیه عناصری است که بر اساس منافع حزبی و نه ملی، عمل می‌کنند که اشاره‌ای پنهانی به حامیان اصلاح بود که رهبری انصارالله آن را دشمن اصلی خود در شمال می‌دانستند. آنچه مبرهن است اینکه حزب اصلاح که آماده بود در انتخابات پس از گذار یمن یک پیروزی قدرتمندانه به دست آورد، اینک برای بقا در تلاش و رقابت با انصارالله بود. در سال ۲۰۱۴/۱۳۹۳ سرانجام توافقی بین گروه‌های سیاسی یمن از جمله انصارالله و اصلاح بر سر مسائل اقتصادی و سیاسی امضا شد؛ در واقع، اصلاح تحت فشار شکست نظامی به این توافق با انصارالله تن داد (Al Sharjabi, ۲۰۲۴).

با این حال، توجه‌هایی به توسعه انصارالله و تلاش برای به حاشیه راندن اصلاح سبب شد که سعودی‌ها پس از حمله به یمن، اصلاح را به مرکز نفوذ خود در یمن تبدیل کنند و روابط پرنوسانی با این حزب داشته باشند.

(ب) روابط از ۲۰۱۴ تا تهاجم نظامی ائتلاف سعودی

روابط حزب اصلاح از ۲۰۱۴/۱۳۹۳ تا زمان تهاجم نظامی عربستان به یمن در ۲۵ مارس ۲۰۱۵/۵ فروردین ۱۳۹۴ متشکل از تنش‌های نظامی و آتش‌بس‌های متزلزل است. این برهه را برخی، انقلاب در انقلاب و برخی دیگر، کودتای انصارالله علیه سایر نیروهای سیاسی از جمله حزب اصلاح تلقی کرده‌اند. از آنجا که توافق ۲۰۱۴/۱۳۹۳ بین گروه‌های سیاسی اجرا شد و منصور هادی، رئیس‌جمهور دوران انتقالی، بستر انتخابات را فراهم نکرد، انصارالله گرایش بیشتری به قدرت‌نمایی نظامی در برابر رقبای خود از جمله حزب اصلاح پیدا کرد. در این برهه، انصارالله بزرگ‌ترین مجمع مردمی یمن در صنعا را برگزار کرد. این مجمع نشان داد که حزب اصلاح چندان جایگاه مردمی در ساختار سیاسی ندارد. در نتیجه رهبران حزب برای توسعه نفوذ خود مجدداً بر مشی‌های آموزشی خود، مدارس و نفوذ در قبایل در سایر مناطق یمن تمرکز کردند (https://reliefweb.int/report).

پس از این درگیری‌ها، منصور هادی به توافق با انصارالله تن داد و با

خواسته‌های آنان موافقت کرد. آنها نیز ساختمان‌های دولتی را به دولت تحویل دادند. دولت جدید یمن با مشارکت گروه‌های سیاسی یمن پس از نزاع فراوان و با وجود اعتراض انصارالله تشکیل شد. به نوعی در این مرحله حزب اصلاح که گرایش‌های اخوانی داشت، از منصور هادی به سبب سازش با انصارالله، بیش از پیش فاصله گرفتند. پس از اصرار هادی و برخی گروه‌ها بر تقسیم یمن به شش منطقه فدرال، انصارالله و حزب مؤتمر مذاکرات را با اعتراض به آنچه تلاش برای مجزیه یمن خوانده بودند، ترک کردند؛ در حالی که حزب اصلاح یک مشی - مستقلانه نسبت به رئیس‌جمهور و انصارالله، به سبب از دست دادن مناطق نفوذ خود پیشه کرده بود. بعدها که انصارالله پیشنهاد تشکیل شورای ریاست جمهوری را داد، حزب اصلاح از مخالفان این طرح بود (Engelkes, ۲۰۲۰).

در خلا قدرت ناشی از استعفای نخست‌وزیر و منصور هادی، به دعوت انصارالله نشستی به نام «کنفرانس ملی یمن» در صنعا با حضور نمایندگان گروه‌های سیاسی یمن و سران نظامی و امنیتی همسوی برگزار و پس از سه روز اعلام شد که بیانیه‌ای به تصویب رسید که در آن، رفع خلا سیاسی ادعایی را خواستار بود: «ما به گروه‌های سیاسی در یمن سه روز مهلت می‌دهیم تا خلا کنونی در کشور را پر کنند، راهکاری برای حل بحران کشور بیابند و در صورت شکست گروه‌های سیاسی، رهبران انقلاب اوضاع کشور را به دست می‌گیرند». هم‌زمان مذاکرات گروه‌های سیاسی از جمله حزب اصلاح و حراک جنوبی با انصارالله و حزب مؤتمر زیر نظر جمال بن عمر، فرستاده سازمان ملل، انجام شد که به نتیجه‌ای نرسید. در واقع اصلاح در این دوره انصارالله را نه یک گروه انقلابی بلکه یک گروه کودتاجی تلقی می‌کرد.

در این برهه، سناریویی که رهبران اصلاح مطرح می‌کردند این بود که صلح برای بازگشت به قدرت با حمایت و بازگذاشتن مراکز حساس به روی انصارالله، به تضعیف و فرار منصور هادی از صنعا کمک کرد. از نظر حزب اصلاح، تهدید به انحلال اصلاحات یمن، گلوله انصارالله علیه کثرت‌گرایی سیاسی در این دوره بود. انصارالله به طرز بی سابقه‌ای علیه

راهپیمایی حزب اصلاح که اولین مخالف این گروه در جنگ‌های توسعه طلبانه در شمال این کشور در دو سال گذشته بود. موضع گرفت. تشدید تنش بین دو گروه به حدی رسید که «الحلال حزب» و تعقیب رهبران آن مطرح بود. سرعت تهدیدهای انصارالله علیه اصلاح چنان بود که عبدالملک الحوثی حزب اصلاح را همدست القاعد خواند و تهدید به اقدام، از جمله الحلال و ممنوعیت فعالیت‌های آن کرد. در نتیجه انصارالله با تصرف صنعا، به دفاتر حزب حمله و برخی از رهبران جوان آن را بازداشت و از طریق تلویزیون رسمی یمن اعلام کرد که يك هسته تروریستی به رهبری حبیب العریقی، از رهبران حزب را شناسایی و منهدم کرده است (Blecua, ۲۰۱۵).

سیاستمداران یمنی در این برهه معتقد بودند مهم‌ترین تصمیمی که حزب اصلاح طی یورش انصارالله به صنعا اتخاذ کرد، عقب‌نشینی حامیان خود و عدم مقابله با انصارالله بود؛ زیرا این رویارویی باعث آتش جنگ شدید در داخل پایتخت می‌شد. به گفته منابع اصلی در این حزب، تصمیم برای عدم رویارویی با انصارالله در زمان یورش به صنعا پس از تأیید آن مبنی بر وجود توطئه از سوی برخی رهبران این کشور، با دستور ارتش به عدم دفاع از صنعا گرفته شد. با این حال در این دوره، حزب اصلاح هیئتی برای کاهش اختلافات با انصارالله به صنعا اعزام کرد که نتیجه‌ای نداشت. عدنان العودینی، سخنگوی حزب اصلاح، در مصاحبه با العریبه اعلام کرد: «انصارالله مشارکت سیاسی را هدف گرفته و وجود يك جامعه منسجم با ساختار فرقه‌ای حوثی‌ها برای یمن در تضاد است. مشروعیت اصلاح از حضور مردمی آن نشئت می‌گیرد و انصارالله مرجعی نیست که مجاز به بررسی این موضوع باشد» (https://www.alaraby.co.uk).

در این دوره افراد وابسته به حزب اصلاح نماینده بخش بزرگی از قبایلی بودند که از ورود انصارالله به استان نفتی مارب در مرکز کشور، خودداری می‌کردند. انصارالله که در این دوره اصلاح را به خرابکاری و نفوذ عربستان متهم می‌کرد، از خصومت بین مؤتمرو



اصلاح بیشترین سود را برد. رهبر انصارالله در سخنرانی قبل از تجاوز سعودی‌ها، بیش از ۳۰ بار کلمه عربستان را قید کرد و گفت که این کشور از احزاب خرابکار مثل اصلاح حمایت می‌کند. در واقع برخی منابع مواضع تند رهبر انصارالله علیه ریاض را بدان دلیل می‌دانند که عربستان در تلاش برای اشتهی بین اصلاح و حزب مؤتمر بوده است و موفق شد ژنرال عبدالوهاب الانسی، از اصلاح، را باهمتای خود در حزب مؤتمر، عارف الزوکا، اشتهی دهد. سید عبدالملک در این سخنرانی به نام قطر نیز اشاره و اعلام کرده هر کس به حرف این دو کشور گوش دهد، بازنده خواهد بود (<https://www.alaraby.co.uk>).

اقدامات انصارالله در این برهه سبب افول جایگاه حزب اصلاح شد. از آنجا که در این دوره، توازن نظامی به سود حزب اصلاح نبود، تقابل نظامی با انصارالله هم در اهدافش نبود. در صورت افزایش محرکات حزب، موج مخالفت با اخوان المسلمین در سطح منطقه نیز سبب می‌شد کشورهای عربی مخالف جریان اخوان، همسو با انصارالله به تضعیف حزب پردازند. حزب در این برهه نقش میانجی‌گر هم داشت و برای توقف درگیری بین انصارالله و قبایل، چنان که در منطقه «یاریم» در استان اب اتفاق افتاد، وارد میانجی‌گری شد که به نفع انصارالله بود؛ زیرا زمانی که بیش از یک جبهه علیه آنها گشوده شد، بایک معضل بحرانی در استان اب مواجه شدند. البته قبایل این ناحیه احساس می‌کردند فریب خورده‌اند، زیرا طبق توافق قرار بود انصارالله عقب‌نشینی کند و کار جمهوری چایگزین آنها شود، اما اتفاقی که افتاد دور زدن توافق بود و انصارالله تحت پوشش کار جمهوری وارد اب شدند (<https://www.alaraby.co.uk/>).

(ج) روابط در دوران جنگ

از ابتدای تجاوز، سعودی‌ها میل بودند با احزاب اسلام‌گرا مانند اصلاح برای مبارزه با دشمن مشترک خود (انصارالله) همکاری کنند و به ثبات در شمال دست یابند. حزب اصلاح در این دوره بر دو مؤلفه تأکید داشت: نخست، هیچ‌گفت‌وگویی سیاسی تا زمانی که انصارالله سلاح بر زمین نگذارد، شکل نمی‌گیرد. دوم، انصارالله باید از شهرهایی که

تصرف کرده است، عقب‌نشینی کند و سلاح صرفاً در انحصار دولت باشد. العودینی، از حزب اصلاح، بیان داشت که صلح اولویت حزبش است، در حالی که حوثی‌ها جنگ راه‌انداختند و فرآیند سیاسی را مختل و کشور را وارد نزاع داخلی کردند.

اگر در دوره قبلی نمایان بازیگران خارجی برای رسیدن به توافق شکست خوردند، در این دوره خود بازیگران خارجی درگیر به مذاکره با نمایان خود در جنگ پرداختند تا بحران افول کند و هزینه تداوم آن برای آنها کم شود. در کوتاه مدت ریاض با انصارالله و امارات با اصلاح وارد مذاکره شدند. نتیجه اولیه این مذاکرات نادیده گرفتن شورای ریاست جمهوری و جنبش حراک جنوبی بود. گفت‌وگوها حاکی از آن بود که مدار محولات بردوش انصارالله و اصلاح است که خود بن‌بست داخلی را تشدید کرد (Radman, ۲۰۲۳).

با تداوم جنگ و افزایش حملات پهبادی و موشکی انصارالله علیه عربستان، این کشور به گفت‌وگوهای بیشتر با انصارالله گرایش داشت. مذاکرات با انصارالله مشروعیت سیاسی لازم را برای این گروه در برابر اصلاح ایجاد و روابط بین ریاض و متحدان محلی اش از جمله اصلاح بی‌ثبات کرد. در واقع، محیط بین‌المللی و موازنه محلی قدرت در بین گروه‌های سیاسی که به سود انصارالله بود، کارزار نظامی گسترده علیه انصارالله را ناکارآمد کرده بود و اصلاح نیز توان مقابله با رقیب خود را نداشت. حزب اصلاح در این دوره در برابر انصارالله یک‌گرایش محافظه‌کارانه داشت؛ تحریک انصارالله سبب افزایش حملات نظامی آن علیه ریاض می‌شد و حداقل ریاض حامی اقدامات اصلاح علیه انصارالله نمی‌شد (Ruikang, ۲۰۲۰).

البته در دوران جنگ یک اتحاد طبیعی نیز بین حزب اصلاح و انصارالله شکل گرفت. نیروهای تحت‌هدایت امارات و نیروهای سیاسی جنوب یمن در استان‌های شبوه، مارب و عتق وارد درگیری شدیدی شدند که حاکی از حذف تدریجی حزب اصلاح بود. نبرد عتق که به نفع جناح‌های وابسته به امارات به اتمام رسید، نگرانی حزب اصلاح

رانسبت به سرایت تنش نظامی به جبهه‌های دیگر، به‌ویژه حضرموت که در آن نیروهای منطقه اول نظامی باگرایش‌های اخوانی مستقر هستند، افزایش داد. نیروهای ائتلاف در این دوره با آتش بس با انصارالله بر حزب اصلاح متمرکز شدند. ائتلاف سعودی و اماراتی تصمیم به حذف تدریجی و مرحله‌ای حزب اصلاح ورهایی از کمک‌های نظامی به آن گرفتند. این اقدام سبب اتحاد بین انصارالله و حزب اصلاح شد (Orkaby, ۲۰۲۲).

به دنبال این اتحاد، منابع هفته‌نامه «عرب» در سال ۲۰۲۰/۳۹۹۹ در شبوه از حضور هماهنگ اخوان المسلمین و انصارالله در مناطق مذکور برای هدف قرار دادن نیروهای ائتلاف عربی خبر دادند. تلاش برای درگیری با نیروهای ائتلاف در منطقه بلخاف هم‌زمان با محسن در مقابل مقر ائتلاف در منطقه العالم بود که اعضای گروه‌های قبیله‌ای از استانی که دارای پیوندهای ایدئولوژیک و سیاسی با انصارالله هستند، انجام دادند. این گروه‌ها پیش از این شعارهای انصارالله را سرمی‌دادند و یکی از بزرگان آنها به نام شیخ سیف ناصر المحضر، در شبکه‌های تلویزیونی انصارالله ظاهر شد. وی در صفا مورد استقبال مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی، قرار گرفت (Baidhani, ۲۰۲۰).

در این دوره قطر به اتحاد جبهه رسانه‌ای انصارالله و اصلاح علیه ائتلاف سعودی، اماراتی مبادرت کرد. راه‌اندازی کانال تلویزیونی المهره با حمایت قطر هم‌زمان با افشای وجود یک دفتر هماهنگی رسانه‌ای بین انصارالله و حزب اصلاح با حمایت و بودجه قطر بود. هدف این دفتر هماهنگ کردن تلاش‌های رسانه‌ای و وحدت گفتمان رسانه‌ای دو حزب در مواجهه با نقش ائتلاف عربی در یمن به‌ویژه در استان‌های جنوبی بود. این دفتر هماهنگی رسانه‌ای بین این دو گروه در صنعا نیز تشکیل شده بود. نزدیکی بین اصلاح و انصارالله از سوی رهبران هر دو گروه تأیید شد. محمد البختی، عضو دفتر سیاسی انصارالله، بر وجود توافقات و تفاهاتی با اصلاح تأکید و اذعان کرد قطر از انصارالله خواسته است از حمله به مارب که تحت نفوذ نیروهای اخوان است، خودداری کنند. البته برخی رهبران اصلاح از حمایت قطر از انصارالله در ظاهر انتقاد می‌کردند



(Al-Shawafi, ۲۰۲۰).

النجیتی قبلاً در گفت و گو با شبکه خبری المیادین اظهار کرده بود: دشمنی با حزب اصلاح اجتناب ناپذیر نیست و می تواند به يك ائتلاف تبدیل شود، زیرا ما با دشمن مشترک مواجه هستیم. وی بیان کرده بود که عربستان و امارات رویکردی را با هدف انحلال کامل حزب اصلاح در شبهه و حضرموت و همچنین محاصره آن در مناطقی از مارب و تعزدنبال می کنند و حزب اصلاح در تلاش است از این واقعیت تلخ فرار کند زیرا نمی خواهد این واقعیت را بپذیرد. اگر حزب اصلاح به صف نیروهای حافظ حاکمیت و استقلال یمن ملحق نشود، این روند انحلال کامل خواهد شد. انتقاد دیگر انصارالله به اصلاح در این دوره این بود که حزب از درآمدهای نفتی و گازی یمن برای اعزام جنگجویان افراطی به جنگ اوکراین استفاده می کند تا از لیست گروه های تروریستی خارج شود (<https://www.alsahwa-yemen.net>).

در واقع حزب اصلاح در این برهه ضمن همکاری های نظامی - رسانه ای با انصارالله، بر سر هزینه کرد درآمدهای کشور و کاربرد این درآمدها به عنوان ابزاری برای فشار بر ملت برای تزلزل جایگاه رقبای سیاسی اختلاف داشتند. حمایت های متزلزل ریاض - ابوظبی از حزب اصلاح در این دوره سبب شد که این حزب رویکرد مستقلانه ای اتخاذ کند و در واقع در يك بلا تکلیفی در ارتباط با انصارالله قرار گیرد.

(د) تأثیر توافق عربستان بر اختلافات و همکاری های انصارالله و حزب اصلاح

ژئوپلیتیک یمن نه تنها برای قدرت های رقیب مثل ایران و عربستان، بلکه برای قدرت های هم پیمان در این بحران مانند امارات - عربستان به دو مینوی بجزرانی پرامون گروه های سیاسی داخلی این کشور تبدیل شد که احتمال مجزیه آن را افزایش داد. تنش در روابط ایران و عربستان صف بندی گروه های سیاسی در یمن را دائم تغییر می داد و گروه های سیاسی ناتوان از غلبه بر هم، راه مجزیه را طی می کردند که با ورود چین به رویدادهای منطقه و بسترسازی توافق ایران - عربستان برای احیای

روابط، مسئله یمن نیز از آن متأثر شد. از سرگیری روابط ایران و عربستان سبب شد که کشورهای عربی دیگر نیز از آن استقبال کنند، مواضع ایران و اعراب علیه اسرائیل به نسبت همسوتر شود و حتی تنش بین ریاض - سوریه و ریاض - صنعا نیز به افول گراید و هیئت سعودی برای حل بحران عازم یمن شود. نتیجه اولیه آن، آزادی اسرای دو طرف بود. گرچه این توافق به کاهش سطح تنش در یمن کمک کرد، اما نباید آن را به معنای پایان بحران یمن دانست.

مهم‌ترین نتیجه‌ای که این توافق باید داشته باشد، اجماع بین گروه‌های سیاسی یمن است که بعید به نظری رسد. عادل دشلا، تحلیلگر یمنی، معتقد است: توافق تهران - ریاض یمن را یک شبهه به کشوری با ثبات تبدیل نخواهد کرد، زیرا پایان دادن به تسلط انصارالله بر صنعا و تحویل تسلیحات که بازوی قدرت این گروه بوده، دشوار است. این موضوع مورد پسند حزب اصلاح است. از نظر بسیاری از مجتهدان نظامی - سیاسی یمن توافق مذکور نشان داد که وضع کنونی یمن ناشی از نبود رهبری واحد بین گروه‌های سیاسی است (<https://www.aljazeera.com>).

در واقع ساختار سیاسی آینده یمن مبهم است تا بتوان به موضوع همکاری یا اختلاف انصارالله - اصلاح در دوره جدید پرداخت. این توافق صرفاً منافی برای ریاض داشته که همان کاهش هزینه‌های جنگ افروزی و تبادل اسرا بود. اگرچه محمد عبدالسلام، از انصارالله، پس از توافق ایران و عربستان اعلام کرد که منطقه به این توافق نیاز داشت.

صرف نظر از توافق مذکور، انصارالله و اصلاح اختلافات ایدئولوژیکی سازش‌ناپذیری دارند. اساساً اصلاح در دوران صلح و حتی در دوران جنگ از سوی ریاض برای مقابله با نفوذ شیعه‌گری و انصارالله شکل گرفت و حمایت شد. اختلافات داخلی بین این دو گروه به اندازه کافی پیچیده است که می‌تواند پس از خروج احتمالی نیروهای خارجی، همچنان موجب تنش نظامی شود. همچنین نماینده دولت منصور

هادی در نشست شورای امنیت خواهان حمایت بین‌المللی برای بازگشت این دولت به صنعا و خلع سلاح انصارالله شد. هم‌حزب اصلاح و هم‌جنبش حراک نگران هستند که این توافق به سود انصارالله باشد و به آنها اجازه کنترل شمال را بدهد؛ به‌ویژه اینکه اصلاح از گروه‌های نفوذ شمال یمن است (Furlan, ۲۰۲۳).

انصارالله، به‌رغم استقبال برای گفت‌وگوهای صلح با هانس گراندربرگ، نماینده سازمان ملل در عربستان سعودی، و به‌طور غیرمستقیم با ایالات متحده، در بیانیه‌های رسانه‌ای و رسمی خود اصرار دارند که هدف اصلی‌شان «آزادسازی» یمن از هرگونه مداخله خارجی است. بازگشت به یک دولت متحد، هدفی است که با مواضع حزب اصلاح، شورای ریاست جمهوری و جنبش حراک و روابط فعلی آنها با عربستان و امارات در تضاد است. انصارالله همچنین از تأیید مجدد هویت خود به‌عنوان یک حزب مذهبی با مأموریت الهی ابایی ندارد و چنین روایتی باعث نگرانی عمیق نیروهای یمنی به‌ویژه اصلاح شده است. حتی اگر نزدیکی ایران و عربستان در کاهش تنش‌ها بین ریاض و انصارالله تأثیرگذار باشد، وضعیت داخل یمن بی‌تأثیری ماند مگر به‌طور مستقیم جناح‌های یمنی نیز وارد توافق شوند. تعز، الحدید و مأرب سه منطقه درگیری خط مقدم بین انصارالله، حزب اصلاح و سایر نیروهای سیاسی هستند که اهمیت حیاتی دارند و برای همه طرف‌ها دشوار است که تسلیم شوند (Khoury, ۲۰۲۳).

هم‌منابع انصارالله و هم‌منابع اصلاح، توافق عربستان و ایران را دست‌کم در اصول، به‌عنوان تقویت مواضع خود معرفی کردند. محمد عبدالسلام، سخنگوی انصارالله، ابراز امیدواری کرد که این توافق به «بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که با مداخله صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها رخ داد»، پایان دهد. دولت منصور هادی و حزب اصلاح هم استقبال محتاطانه خود از توافق را با این انتظار همراه کردند که تهران «سیاست‌های مخرب خود را در این کشور تغییر دهد». با این حال، سایر یمنی‌ها هشدار می‌دهند که شرکای محلی باید نقش داشته باشند تا هر توافقی پایدار باشد (Abdo Sahili, ۲۰۲۳).

اوایل آوریل ۲۰۲۳/ فروردین ۱۴۰۲ عربستان از اعضای شورای رهبری ریاست جمهوری، شریک اصلی یمنی خود، دعوت کرد درباره جزئیات نقشه راهی که ریاض در حال مذاکره با انصارالله بوده است، گفت و گو کنند. نقشه راه به فازهایی تقسیم می‌شود که با توافق انصارالله و عربستان آغاز و به بازگشایی کامل بنادر و جاده‌های این کشور منتهی می‌شود. در اصل، این گام باید در هر ابره روی مذاکرات یمنی-یمنی باز کند. همچنین باید اجازه پرداخت حقوق به کارمندان دولتی و پرسنل نظامی در مناطق تحت کنترل انصارالله را بدهد که حزب اصلاح مخالف آن است (<https://www.crisisgroup.org>). اما تا کنون مشخص نیست که آیا انصارالله واقعاً با مخالفان یمنی خود می‌نشینند یا نه، و حتی اگر مایل به این کار باشند آیا نیروهای مختلف ضد انصارالله از جمله حزب اصلاح می‌توانند با مجموعه‌ای از خواسته‌های پای میز مذاکره بیایند یا خیر؟

نتیجه‌گیری

انصارالله و اصلاح دو بازیگر رقیب در عرصه سیاسی یمن در چهل سال گذشته بوده‌اند و اساساً هدف اصلی از تشکیل حزب اصلاح کنترل نفوذ افکار شیعی و توسعه جریان‌های سلفی در یمن بوده است. این دو بازیگر هم از نظر ایدئولوژیکی، هم از نظر مناطق تصرف و هم حامیان خارجی و در بسیاری از حوزه‌های دیگر اختلافاتی داشته‌اند و نقش این «اختلافات» بیش از «همکاری‌ها» برجسته بوده است. همکاری‌های بین دو گروه صرفاً غیرارادی و به نوعی تاکتیکی بوده که به سرعت به رقابت برای حذف یکدیگر تبدیل شده است. در یک برهه پایان اقتدارگرایی صلح و در یک برهه همکاری نظامی- رسانه‌ای با وساطت قطر برای مبارزه با ائتلاف سعودی- اماراتی بستر همکاری را فراهم کرد؛ اما روند بحران سبب تغییر موازنه قدرت به سود انصارالله در داخل یمن شد، به نوعی که اصلاح به یک انزوای ناخواسته و به‌یژه از ۲۰۱۴/۳۹۳ به بعد جهت‌دهی شد و حتی مورد سرکوب انصارالله قرار گرفت. اصلاح در این دوران برای مقابله با انصارالله با هر جناح یا کشوری همدست می‌شد تا از ایند سیاسی یمن حذف نشود. همکاری با قطر، امارات، عربستان و حتی حمایت از اوکراین برای کسب وجهه بین‌المللی و حمایت بیشتر در این راستا بود که چندان ثمر نداشت.

با این حال اختلافات ریشه‌ای بین اصلاح و انصارالله حل نشده است. بحران یمن دو مرحله بین‌المللی و منطقه‌ای را طی کرده و اکنون در فاز داخلی همچنان برجسته است که یک جنبه آن به اختلافات بین این دو رقیب برمی‌گردد. دو گروه صرفاً از توافق ایران-عربستان حمایت کرده‌اند، اما در این باره که آیا این توافق صرفاً به سود دو کشور امضاکننده خواهد بود یا برای یمن نیز دستاوردی خواهد داشت، هنوز نمی‌توان اظهار نظر کرد.

موقعیت حزب اصلاح به شدت تضعیف شده است و از سوی انصارالله دست‌بالای جنگ داخلی در یمن را داشته به گونه‌ای که ریاض، شریک اصلاح، حاضر به مذاکرات با انصارالله شده که به معنای پذیرش مشروعیت سیاسی این جنبش است. بنابراین اصلاح نمی‌تواند همچون دوران صلح برای مبارزه با هدف حاشیه‌سازی انصارالله در دوران جدید عمل کند. دور رقیب دوراه پیش رو دارند: اصرار بر اختلافات سابق که به معنی تداوم بحران در یمن و بی‌تاثیری توافق ایران-عربستان بر محولات یمن است. دوم، حل اختلافات یا نادیده انگاشتن آنها و نگاه کلان به یمن داشتن برای رسیدن به ثبات و وضعیت عادی در یمن. با این حال تجربه همکاری بین یک جنبش شیعی با یک گروه سلفی در منطقه وجود ندارد. حتی حزب الله و حماس که دشمن مشترک و منافع مشترکی دارند، در برخی شرایط در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند و توقع همکاری بین دو گروه در داخل یک کشور آن هم با این افتراقات به نظر دشوار باشد.



منابع و مأخذ

- الاحمدى، عادل (٢٠١٥)، «الحوثيون يقررون مواجهة السعودية والإصلاح»، <https://www.alaraby.co.uk/>
- باقرى دولت آبادى، على (١٣٩٥)، «بحران يمن: بررسى زمينه ها و اهداف مداخلات خارجى عربستان و آمريكا»، فصلنامه پژوهش هاى راهبردى سياست، س ٥، ش ١٨.
- تابع فنك (٢٠٢٢)، «السياسة في اليمن»، <https://fanack.com>
- الرويشان، محمد صالح (٢٠١٤)، «الحوثيون والإصلاحيون... ورياح التغيير في اليمن:» <https://almasdaronline.com>
- شباع الدين، ميساء (٢٠١٤)، «بعض أسباب تلاشي حزب الإصلاح في اليمن»، <https://www.alaraby.co.uk/>.
- العرييه (٢٠١٥)، «التلويح بحل الإصلاح اليمني: رصاص حوثي ضد التعددية السياسية»، <https://www.alaraby.co.uk>.

منابع انگليسى

- Al Hamdani, Raiman (٢٠٢١), "Yemen: The Gpc and Islah After ٢٠١١", <https://www.ispionline.it/en/publication/yemen-gpc-and-islah-after-٢٠١١-٢٩٧٧٢>.
- al Sharjabi, Adel Moujahed (٢٠١٤), "Houthi Victory Is Defeat for Yemen's Islah", <https://assafirarabi.com/en/٢٧٦٤/٢٠١٤/٠٩/٢٤>
- Al Wasmi, Naser (٢٠١٧), "Ali Abdullah Saleh and Abdul Malek Al Houthi: Yemen's Destructive Marriage of Convenience Heads for Bitter Divorce", <https://www.thenational.ae/world/mena>
- Ali Abdullah Saleh (٢٠١٤), <https://www.globalsecurity.org/military/world/yemen/saleh.htm>.
- Aljazeera (٢٠٢٣), "War-weary Yemenis Greet Saudi-Iran Deal with Caution", <https://www.aljazeera.com/news/٢٠٢٣/٣/٢١/saudi-iran-deal-view-from-yemen>.
- Alsahwa (٢٠٢٢), "Al-Odeini Tells EU Official Islah Party Supports Political Solution", <https://alsahwa-yemen.net/en/p-١٤٦٨٩>.
- Alsahwa (٢٠٢٢), "Islah's Positions in ٢٠٢٢: Supporting the State to Defeat the Coup and Welcoming Peace Efforts", <https://www.alsahwa-yemen>.
- Al-Shawafi, Moataz (٢٠٢٢), "Qatar Unites the Media Front of Houthi and Islah in the Face of the Alliance", <http://newsyemen.news/new/٥٣١٠٧>.
- Al-Shawafi, Moataz (٢٠٢٠), "Qatar unites the Media Front of Houthi and Islah in

the Face of the Alliance", <http://newsyemen.news/new/۵۳۱۰۷>.

- Al-Shurbaji, Adel Moujahed (۲۰۱۴), "Power Struggle Rages in Yemen", <http://www.al-monitor.com/pulse/politics/۲۰۱۴/۱۲/>.
- Al-Sofari, Mutahar (۲۰۲۱), "An Exceptional Case: Saudi Relations with Yemen's Islah Party", <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/exceptional-case-saudi-relations-yemens-islah-party>.
- Baidhani, Saleh (۲۰۱۹), "Oman Tightens Screws on Pro-Qatar Yemeni Brotherhood Activities", <https://theArabweekly.com/oman-tightens-screws-pro-qatar-yemeni-brotherhood-activities>.
- Baidhani, Saleh (۲۰۲۰), "Oman Tightens Screws on Pro-Qatar Yemeni Brotherhood Activities", <https://theArabweekly.com/oman-tightens-screws-pro-qatar-yemeni-brotherhood-activities>.
- Bintusaad, Ray (۲۰۲۱), "Why Is Turkey Supporting the Yemeni Al-Islah Party of the Muslim Brotherhood?", <https://medium.com/@bintusaad۷۶/why-is-turkey-supporting-the-yemeni-al-islah-party-of-the-muslim-brotherhood-b۸۴۳۹۸ffc۱۴۱>.
- Blecua, Ramón (۲۰۱۵), "A Revolution within the Revolution: The Houthi Movement and the New Political Dynamics in Yemen", <https://www.realinstitutoelcano.org/en/analyses/a-revolution-within-the-revolution-the-houthi-movement-and-the-new-political-dynamics-in-yemen/>.
- Blumi, Serge D. Elie (۲۰۰۹), "State-Community Relations in Yemen: Soqatra's Historical Formation as a Sub-National Polity," *History and Anthropology* ۲۰:۴.
- Campbell, Leslie (۲۰۱۶), "Yemen: The Tribal Islamists," *Woodrow Wilson International Center for Scholars*, <https://www.wilsoncenter.org/yemen-the-tribal-islamists>.
- Carlstrom, Gregg (۲۰۱۱), "The Struggle for Succession in Yemen", <http://www.aljazeera.com/indepth/spotlight/yemen/۲۰۱۱/۰۶/۲۰۱۱۰۶۰۳۰۵۰۴۸۷۲۲۴.html>.
- Carvajal, Fernando (۲۰۱۵), "The Next Step in Yemen's War", <http://www.worldpolicy.org/blog/۲۰۱۵/۰۵/۰۴/next-step-yemens-war>
- Carvajal, Fernando (۲۰۱۵), "The Next Step in Yemen's War", <http://www.worldpolicy.org/blog/۲۰۱۵/۰۵/۰۴/next-step-yemens-war>.
- Carvajal, Fernando (۲۰۲۲), "Yemen War: Islah's Political Survival Hangs in the Balance", <https://www.middleeasteye.net/opinion/yemen-war-islahs-political>
- Counter Terrorism Project (۲۰۲۱), "Muslim Brotherhood in Yemen".
- Day, Stephen W. (۲۰۱۲), *Regionalism and Rebellion in Yemen: A Troubled National*



- Union, Cambridge University Press, ISBN 9781107379909.
- DeLozier, Elana (۲۰۱۸), "The UAE and Yemen's Islah: A Coalition Coalesces", <https://www.washingtoninstitute.org>.
  - Engelkes, Simon (۲۰۲۰), "The Forgotten Crisis", <https://www.kas.de/en/web/europaeische-und-internationale-zusammenarbeit/the-conflict-in-yemen>.
  - Fahim, Kareem (۲۰۱۱), "Yemen's Opposition May Be Caught by Its Own Double Game", <http://www.nytimes.com/2011/12/03/world/middleeast/yemens-opposition-party-islah-faces-credibility-gap.html?mcubz=1>.
  - Furlan, Marta (۲۰۲۳), "Implications of the Saudi-Iran Deal for Yemen", <https://ucigcc.org/blog/implications-of-the-saudi-iran-deal-for-yemen/>.
  - Khaled AL Khaled (۲۰۲۲), "Uncertain Loyalties and Competing Narratives", <https://mondediplo.com/2022/07/07/yemen>
  - Khoury, Nabeel A. (۲۰۲۳), "Yemen and the Saudi-Iran Rapprochement", <https://arabcenterdc.org/resource/yemen-and-the-saudi-iran-rapprochement/>.
  - Middle East Monitor (۲۰۱۸), "US Ambassador Meets Leaders of Al-Islah Party in Riyadh, Praises 'Muslim Brotherhood of Yemen'", <https://www.middleeastmonitor.com/20180711-us-ambassador-meets-leaders-of-al-islah-party-in-riyadh-praises-muslim-brotherhood-of-yemen/>.
  - Orkaby, Asher (۲۰۲۲), "Yemen ۲۰۲۱: Islah, the Houthis & Jihadis", <https://www.wilsoncenter.org/article/yemen-2021-islah-houthis-jihadis>.
  - Philbrick Yadav, Stacey (۲۰۱۵), "Yemen's Muslim Brotherhood and the Perils of Powersharing", [https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/07/Yemen\\_Yadav-FINALE.pdf](https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/07/Yemen_Yadav-FINALE.pdf).
  - Phillips, Sarah (۲۰۱۰), "What Comes Next in Yemen? Al-Qaeda, the Tribes, and State-Building," Carnegie Endowment for International Peace.
  - Poirier, Marine (۲۰۱۵), "The Yemeni Congregation for Reform (Al-Islâh): The Difficult Process of Building a Project for Change", <http://books.openedition.org/ifpo/1070?lang=en>.
  - Profile: Ali Mohsen al-Ahmar (۲۰۱۲), <http://www.historycommons.org>.
  - Radman, Hussam (۲۰۲۳), "Local Deadlock and Regional Understandings: Analyzing the Houthis-Saudi and Islah-UAE Talks", <https://sanaacenter.org/the-yemen-review/november-2022/19208>
  - Robinson, Kali (۲۰۲۳), "Yemen's Tragedy: War, Stalemate, and Suffering", <https://www.cfr.org/backgrounder/yemen-crisis>



- Ruikang, Li (۲۰۲۰), "Is Turkey Entrenching Itself in Yemen Amid Escalating Strife with UAE?", <https://news.cgtn.com/news/۲۰۲۰-۰۷-۱۲/Is-Turkey-entrenching-itself-in-Yemen-amid-escalating-strife-with-UAE--S۶heDFiEWQ/index.html>.
- Saeed Al Batati Correspondent (۲۰۱۷), "Al Islah Pledges to End Iran Expansion in Yemen", <https://gulfnews.com/world>.
- Saudi Arabia's New Foreign Policy Doctrine (۲۰۱۷), <http://www.arabiafoundation.org/publications/saudi-arabias-new-foreign-policy-doctrine/>.
- Schmitz, Charles (۲۰۱۱), "Understanding the Role of Tribes in Yemen", <https://ctc.usma.edu/posts/understanding-the-role-of-tribes-in-Yemen>.
- Schmitz, Charles (۲۰۱۴), "The Fall of Amran and the Future of the Islah Party in Yemen", <https://www.mei.edu/publications/fall-amran-and-future-islah-party-yemen>.
- Sheikh Hamid Abdullah al-Ahmar (۲۰۱۵), <http://www.live-let-live.org/private/Sheikh%۲۰hamid%۲۰Abdullah%۲۰al-ahmar.pdf>.
- Suskid, Jim (۲۰۲۱), "Warring Parties in Yemen Must Talk Even If They 'Are Not Ready' to Put Down Arms, Special Envoy Tells Security Council, Describing Escalating Violence", <https://reliefweb.int/report/yemen/warring-parties-yemen-must-talk-even-if-they-are-not-ready-put-down-arms-special-envoy>.
- The legacy of Abdullah al-Ahmar continues in Yemen (۲۰۱۴), <https://www.alaraby.co.uk/english/features>.
- Wahab, Abdel (۲۰۱۹), "What Is Qatar's Relationship with the Islah Party in Yemen?", <https://eeradicalization.com/what-is-qatars-relationship-with-the-islah-party-in-yemen/>.
- Wasmi, Naser Al (۲۰۱۷), "Ali Abdullah Saleh and Abdul Malek Al Houthi: Yemen's Destructive Marriage of Convenience Heads for Bitter Divorce", <https://www.thenational.ae/world/mena/>.
- "Who's Who in Yemen's Opposition?" (۲۰۱۱), <http://www.aljazeera.com/indepth/spotlight/yemen/۲۰۱۱/۰۲/۲۰۱۱۲۲۸۱۴۱۴۵۳۹۸۶۳۳۷.html>.

